

## ارزیابی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال امارات متحده عربی و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمدعلی احمدیان\*

مهدی جاودانی مقدم\*\*

### چکیده

«انزوای استراتژیک»، یکی از مهم‌ترین چالش‌های دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس این رژیم تا کنون بوده است. در این راستا، اسرائیل با تدوین استراتژی ائتلاف با قدرت‌های بزرگ و اتحاد پیرامونی، درصدد دستیابی به متحدان منطقه‌ای و جهانی به منظور حفظ بقای خود است. این مساله در دو دهه اخیر با تمرکز بر کشورهای عربی خلیج فارس از جمله امارات متحده عربی پیگیری شده و در سال ۲۰۲۰ در قالب «توافق ابراهیم» عملیاتی شده است. این مقاله به این سؤال اصلی می‌پردازد که سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال امارات متحده عربی چگونه بوده و روابط آنان چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی - تبیینی صورت گرفته نشان می‌دهد که سیاست خارجی اسرائیل در قبال امارات با هدف ارتقای همکاری‌ها در همه سطوح و گسترش عمق استراتژیک در منطقه خلیج فارس، موازنه‌گری سخت و نرم علیه ایران، ناامن شدن محیط پیرامونی آن و بالتبع، کاهش ضریب امنیت ملی آن پیگیری می‌شود.

### واژگان کلیدی

سیاست خارجی، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی.

\*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، گرایش روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.  
ma676575@gmail.com

javdani@isu.ac.ir

\*\* استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران. (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

## ۱. طرح مسئله

امنیت، مهم‌ترین دغدغه سیاست خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تاکنون بوده است. این مسئله از یک‌سو تحت‌تأثیر فقدان عمق استراتژیک و مؤلفه‌های قدرت آن از جمله جمعیت اندک، محدودیت وسعت جغرافیایی و عدم مشروعیت سیاسی و از سوی دیگر متأثر از سیاست‌های جنگ‌طلبانه این رژیم و منازعات متعدد در درون سرزمین‌های اشغالی و در خارج از آن با دولت‌های عربی و اسلامی بوده است. در این چارچوب، از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ میلادی و بحران دائمی امنیت این رژیم، ضرورت خروج از انزوای استراتژیک آن و عادی‌سازی روابط با همسایگان و دولت‌های عربی و اسلامی، یکی از دستورکارهای ثابت سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل بوده است. این مسئله تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در قالب دکترین اتحاد پیرامونی پیگیری شده و پس از جنگ ۱۹۷۳ م و انعقاد معاهده کمپ دیوید و به‌ویژه پس از معاهده اسلو در ۱۹۹۳ م، در قالب طراحی یک خاورمیانه جدید با محوریت اقتصادی و تجاری براساس آنچه شیمون پرز در کتابی با همین نام مطرح کرده بود در اولویت سیاست خارجی اسرائیل قرار گرفته است. (پرز، ۱۹۹۳: ۲۷۱ - ۱)

این وضعیت تا زمان وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م ادامه داشته اما تحولات منطقه خاورمیانه پس از آن از جمله پیروزی حماس در انتخابات فلسطین و تقویت نقش سیاسی - امنیتی و نظامی این جنبش در سرزمین‌های اشغالی علیه رژیم صهیونیستی و به تبع آن، افزایش تهدیدات داخلی اسرائیل، قدرت‌یابی مضاعف حزب‌الله لبنان به‌ویژه پس از شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه، افزایش قدرت منطقه‌ای ایران به‌ویژه در پرتو نقش آن در مقابله با داعش و در بحران سوریه و تشکیل جبهه‌ای مردمی و دولتی از نیروهای مقاومت و حتی حضور در مرز رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان، زمینه تلاش مجدد این رژیم برای عادی‌سازی روابط با دولت‌های عربی در سایه ایران‌هراسی را به‌وجود آورده است.

در این میان، اسرائیل تلاش داشته تا با القای تهدیدآمیز بودن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران برای امنیت منطقه و نظام بین‌الملل، مانع بهبود روابط ایران و غرب و توافق هسته‌ای گردد، اما با انعقاد برجام و همچنین تغییر استراتژی آمریکا از تمرکز بر خاورمیانه به چرخش به شرق، مقابله با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران با روش‌ها و ابزارهای مختلف از گسترش دامنه منازعه به تقابل مستقیم امنیتی، جنگ اطلاعاتی، نفوذ و خرابکاری به‌ویژه در حوزه هسته‌ای تا بازتعریف «دکترین اتحاد پیرامونی»<sup>۱</sup> و عادی‌سازی روابط با دولت‌های عربی و ایجاد ائتلافی رسمی علیه ایران، پیگیری شده که نتیجه آن،

1. The Alliance of the Periphery (The Periphery Doctrine).

«توافق ابراهیم»<sup>۱</sup> به عنوان مقدمه‌ای بر تنش‌زدایی در روابط اسرائیل و سایر دولت‌های عربی اعلام گردیده است. در واقع، این توافق که در چارچوب «دکترین پیرامونی جدید»<sup>۲</sup> اسرائیل شکل گرفته است، استمرار تلاش این رژیم برای برقراری روابط رسمی و آشکار با دولت‌های عربی به‌ویژه با دولت‌های عربی منطقه خلیج فارس است که از زمان صلح اسلو در سال ۱۹۹۳ م در چارچوب طرح «خاورمیانه جدید»<sup>۳</sup> شیمون پرز و مناسبات غیررسمی و محرمانه دوجانبه اقتصادی با برخی از این کشورها به‌ویژه امارات متحده عربی آغاز شده بود.

با توجه به دشمنی راهبردی اسرائیل با نظام جمهوری اسلامی ایران، این مسئله که با حمایت آمریکا و در راستای شناسایی اسرائیل توسط سایر دولت‌های عربی منطقه و به‌ویژه عربستان سعودی صورت گرفته است می‌تواند چالش‌های جدی‌ای را فراروی امنیت ملی ایران قرار دهد که مسلماً نیازمند ارزیابی دقیق و کارشناسانه است.

بر اساس این، پژوهش‌های مرتبط با این موضوع که تاکنون منتشر شده را می‌توان در دو دسته زیر بررسی و ارزیابی کرد: دسته اول، پژوهش‌هایی است که به بررسی تاریخی روابط اسرائیل با کشورهای منطقه خلیج فارس پرداخته و در قسمتی از مباحث خود به تعاملات آن با امارات متحده نیز اشاره کرده‌اند چنانچه جودت بهجت<sup>۴</sup> در کتاب *اسرائیل و خلیج فارس: گذشته و آینده* تلاش کرده تا به مطالعه موردی روابط رژیم صهیونیستی با ایران، عراق، سایر کشورهای منطقه خلیج فارس و شامات بپردازد. (بهجت، ۱۳۸۹: ۲۹۱ - ۱)

دسته دوم پژوهش‌های صورت گرفته با تمرکز بر روند سازش به‌ویژه توافق ابراهیم نگاشته شده‌اند چنانچه در این زمینه یونس فروزان و عبدالرضا عالی‌شاهی در مقاله *تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس* به بررسی روند سازش کشورهای عربی خلیج فارس با رژیم صهیونیستی پرداخته است. (عالی‌شاهی، فروزان و سوچلمائی، ۱۳۹۹: ۱۶۹ - ۱۴۷)

پژوهشگران دیگری نیز مانند محمدرضا ملکی و فرزاد محمدزاده ابراهیمی در مقاله *چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب* به بررسی چرایی عادی‌سازی اخیر در روابط میان اسرائیل و اعراب پرداخته است. (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۶۴ - ۴۵) همچنین مقاله پولن بایراک<sup>۵</sup> با موضوع *توافقنامه ابراهیم و لزوم حل صلح‌آمیز مسئله فلسطین برای خاورمیانه*

---

1. Abraham Accords.  
2. New Periphery Doctrine.  
3. The New Middle East.  
4. Gawdat Bahgat.  
5. Polen Bayrak.

(Bayrak, 2021: 104-115) و کتاب نیکلاس آرتور<sup>۱</sup> با عنوان *توافق نامه ابراهیم؛ پیشگام نمایش کوه معبد* (Arthur, 2020: 1-99) از این دسته‌اند. پژوهش حاضر تلاش دارد تا به این سوال اصلی بپردازد که سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال امارات متحده عربی چگونه بوده و روابط آنان چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه این پژوهش بر این مبنا استوار است که سیاست خارجی اسرائیل در قبال امارات با هدف ارتقای همکاری‌ها در همه سطوح و گسترش عمق استراتژیک در منطقه خلیج فارس، موازنه‌گری سخت و نرم علیه ایران، ناامن شدن محیط پیرامونی آن و بالتبع، کاهش ضریب امنیت ملی آن پیگیری می‌شود.

## ۲. چارچوب نظری

نظریه واقع‌گرایی از ابتدای شکل‌گیری روابط بین‌الملل به‌عنوان نظریه غالب این رشته شناخته می‌شود. در واقع، در قرن بیستم پس از ناتوانی نظریات آرمان‌گرا در تحلیل و تبیین مطلوب رویدادهای نظام بین‌الملل، این نظریات واقع‌گرا بودند که نقش برجسته‌ای در حوزه تئوریک روابط بین‌الملل و در رفتار واقعی کشورها پیدا کردند. با این وجود، در این دوره، دیدگاه‌های متفاوت و متنوعی در میان اندیشمندان واقع‌گرا در تحلیل روابط بین‌الملل به‌وجود آمد به‌گونه‌ای که امروزه نمی‌توان از نظریه واحدی در روبرو بین‌الملل با عنوان نظریه واقع‌گرایی سخن گفت بلکه طیفی از نظریه‌های واقع‌گرایی - از واقع‌گرایی کلاسیک تا واقع‌گرایی مدرن، استراتژیک، نوواقع‌گرایی، واقع‌گرایی نئوکلاسیک، واقع‌گرایی انگیزشی و ... وجود دارد که در عین وحدت در برخی اصول، در تفسیرشان از این اصول و در توضیح رفتار کشورها با یکدیگر تفاوت دارند.

در این میان، واقع‌گرایی نئوکلاسیک یکی از شاخه‌های واقع‌گرایی به‌حساب می‌آید که توسط گیدئون رز<sup>۲</sup> مطرح شد. از دیدگاه وی، دو نحله واقع‌گرایی تهاجمی و تدافعی را می‌توان در تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها در نظر گرفت. واقع‌گرایی تهاجمی در تحلیلی سیستمیک، با تأکید بر آنارشی در نظام بین‌الملل بر پیشینه‌سازی حداکثری قدرت توسط دولت‌ها تا برقراری موازنه قوا تأکید دارد در حالی که درواقع‌گرایی تدافعی، واحدهای نظام بین‌الملل در فضایی آنارشیک، همچنان خود را در معرض تهدید می‌بینند اما محرک‌های داخلی به‌ویژه برداشت واحدها از تهدید مهم‌تر از خود تهدید است.

بنابراین بازیگران عرصه بین‌الملل با تمرکز بر امنیت به‌جای قدرت، بر موازنه تهدید و نه موازنه قوا تأکید دارند. در این چارچوب، در رئالیسم تدافعی، بالاترین دستاورد مطلوب دولت‌ها، امنیت‌زایی و حفظ

1. Nicklas Arthur.

2. Gideon Rose.

امنیت است لذا دولت‌ها با هدف افزایش امنیت خود در برابر عوامل تهدیدزای موجود در نظام بین‌الملل با دیگر واحدهای سیاسی متحد می‌شوند تا با تهدید مقابله کنند. (Rose, 1998: 149-154)

جدول ۱. چهار نظریه تحلیل سیاست خارجی

منطق علی رفتار دولت‌ها	نگرش واحدها	دیدگاه در مورد نظام بین‌الملل	نظریه
عوامل داخلی، سیاست خارجی را شکل می‌دهند	بسیار متمایز	غیرمهم	نظریه‌های سیاست داخلی (اینن پالیتیک)
محرك‌های سیستمیک (متغیر مستقل) بر عوامل داخلی (متغیر میانجی) تأثیر گذاشته و سیاست خارجی را می‌سازد	متمایز	مهم: آنارشی، مات و کدر است	واقع‌گرایی نئوکلاسیک
محرك‌های سیستمیک، سازنده سیاست خارجی کشورها هستند	غیرمتمایز	خیلی مهم: آنارشی هابزی	واقع‌گرایی تهاجمی
محرك‌های سیستمیک و عوامل داخلی (به‌عنوان دو دسته متغیر مستقل که به ترتیب هدایت رفتار طبیعی و غیرطبیعی را برعهده دارند) سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهند.	بسیار متمایز	بعضی اوقات مهم: پیامدهای آنارشی، متغیر است	واقع‌گرایی تدافعی

منبع: (Rose, 1998: 154)

این مسئله در مورد اسرائیل به‌عنوان بازیگری که از ۷۰ سال پیش با دغدغه امنیتی مواجه بوده نیز صدق می‌کند. با این وجود، ممکن است این‌گونه به ذهن متبادر شود که از میان دو دیدگاه واقع‌گرایی نئوکلاسیک، با توجه به سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی در قبال فلسطین و جهان اسلام، واقع‌گرایی تهاجمی قابلیت بیشتری در تبیین رفتار این رژیم دارد.

در این زمینه باید در نظر داشت که اگرچه اسرائیل همواره در تلاش بوده تا با بیشینه‌سازی قدرت خود و برقراری موازنه قوا با همسایگان و به‌ویژه دولت‌های اسلامی مخالف با موجودیت رژیم صهیونیستی، امنیت خود را تأمین کند اما رفتار این رژیم بیشتر ناشی از ادراک تهدید در میان رهبران این رژیم از

یک سو تحت تأثیر واقعیات بیرونی و از سوی دیگر، متأثر از هویت یهودی آنان و تجربه آوارگی قوم یهود و دیاسپورای یهودی است.

بر اساس آنچه بیان شد، مسئله بقا و امنیت و دفع تهدیدات موجود، مهم‌ترین دغدغه ذهنی اسرائیل بوده است و از نظر رهبران این رژیم تا زمانی که بدان دست نیابند، رسیدن به قدرت و دیگر اهداف آرزویی بیش نیست. (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۷۰ - ۱۶۶) بر اساس این، حرکت اسرائیل به سمت عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از جمله امارات همگی در راستای موازنه تهدید و حفظ امنیت در برابر دشمن خود یعنی ایران است. (شادمانی و یزدانی، ۱۳۹۷: ۱۴۸)

### ۳. اهمیت و پیشینه تعاملات با کشورهای منطقه خلیج فارس در راهبرد سیاست خارجی

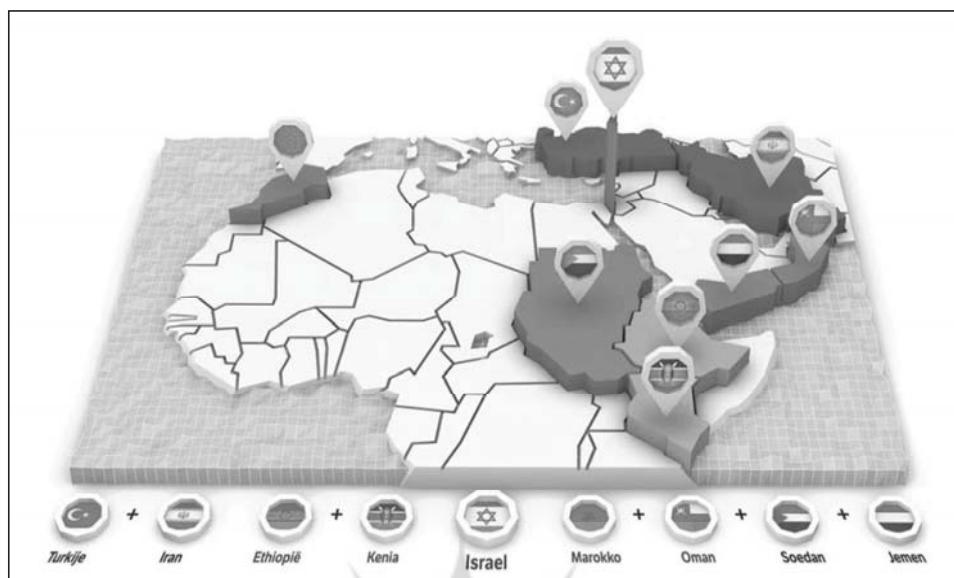
#### اسرائیل

منطقه خلیج فارس از گذشته باستان تاکنون برای مردم یهود از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. این مسئله تحت تأثیر آموزه‌های دین یهود بر اساس کتاب تورات و این باور که این سرزمین، محل مهاجرت انبیاء و سرزمین موعود در پهنه نیل تا فرات (اسرائیل بزرگ) می‌باشد شکل گرفته است. علاوه بر این، یهودیان همواره علاقه‌مند به تجارت و نزدیکی با یهودیان سابقه‌دار این منطقه بوده‌اند. (المطیری، ۲۰۱۱: ۲۷ - ۲۱) با این وجود، روابط اسرائیل و دولت‌های منطقه در خلال سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ میلادی تحت تأثیر شوک کشورهای عربی از تأسیس اسرائیل و اشغال سرزمین‌های فلسطینی و جنگ‌های اعراب و اسرائیل، همراه با جنگ، تنش، خصومت و عدم‌پذیرش مشروعیت رژیم صهیونیستی و ضرورت آزادسازی سرزمین‌های اشغالی فلسطین بود.

درواقع، اکثر دولت‌های عربی منطقه خلیج فارس به‌عنوان دولت‌های محافظه‌کار عرب شناخته می‌شدند، اما سلطه نگرش مبارزه با اسرائیل و نفی موجودیت آن به‌عنوان گفتمان غالب بر مناسبات آنان سایه افکنده بود. بنابراین در این دوره، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه خلیج فارس در سیاست خارجی اسرائیل به‌دلیل دکترین «اتحاد پیرامونی» و ریشه در ارزیابی واقع‌گرایانه این رژیم، از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی است. دکترین اتحاد پیرامونی یا حاشیه‌ای، متکی بر منطق واقع‌گرایانه «دشمن دشمن من دوست من است»<sup>۱</sup> و با اذعان به انزوای استراتژیک اسرائیل در میان کشورهای همسایه خود، به‌دنبال توسعه روابط با کشورهای پیرامون جهان عرب بود بنابراین توسعه روابط با ایران در دوره پهلوی در این چارچوب پیگیری شد. (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۴ - ۲۰۲)

1. The enemy of my enemy is my friend.





شکل ۱. طرح اولیه دکترین پیرامونی اسرائیل (Roelants, 2015)

عادی‌سازی روابط اسرائیل با مصر پس از پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ م، سرآغاز مقطع دوم در مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بود. این مرحله با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تغییر اتحاد استراتژیک اسرائیل با رژیم پهلوی به خصومتی راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی و همچنین نگرانی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از بی‌ثباتی منطقه ناشی از بازتاب و صدور انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق، چرخه‌های اولیه را برای تغییر گام‌به‌گام مناسبات آنان به وجود آورد به‌گونه‌ای که روابط پنهانی میان برخی از این کشورها با اسرائیل برقرار گردید و حتی عربستان سعودی نیز با ارائه طرح‌های صلحی مانند طرح ملک فهد در سال ۱۹۸۱ م و طرح فاس در ۱۹۸۲ م و سپس طرح «ابتکار صلح عربی» در سال ۲۰۰۲ میلادی، سیاست آشتی‌جویانه‌تری را نسبت به این رژیم درپیش گرفت. در این میان، مذاکرات مادرید در سال ۱۹۹۱ م گام بلندی در تقویت روابط اسرائیل با دولت‌های این منطقه به حساب می‌آید زیرا که تماس‌های دیپلماتیکی میان اسرائیل و این کشورها به‌طور آزمایشی در مورد صلح اسرائیل و اعراب آغاز شد. (Ulrichsen, 2016: 3)

در این شرایط، پیمان صلح اسلو در سال ۱۹۹۳ میلادی و پذیرش موجودیت رژیم صهیونیستی توسط ساف، زمینه تعاملات مخفیانه و محرمانه و حتی همکاری‌های مشترک رسمی طرفین را به‌وجود آورد چنانچه «مرکز تحقیقات نمک‌زدایی خاورمیانه» در عمان برای همکاری در تحقیقات مشترک و ظرفیت‌سازی بین اسرائیل و کشورهای عربی فعال گردید. (Ulrichsen, 2016: 10-9)

بر اساس این، از دهه ۹۰ م اسرائیل تلاش نمود تا مناسبات جدی‌ای را با دولت‌های منطقه در قالب جدیدی با عنوان «خاورمیانه جدید» پیگیری نماید. (پرز، ۱۹۹۳: ۲۷۱ - ۱) شیمون پرز، مبدع این طرح، گذار از اقتصاد جنگ به سوی اقتصاد صلح و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مالی، حمل و نقل، ارتباطات، محیط‌زیست و توریسم را برای همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای منطقه و اسرائیل پیشنهاد داد. بنابراین، جایگاه و اهمیت کشورهای این منطقه، در چارچوب «دکترین پیرامونی جدید» در سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل احیا گردید.



شکل ۲. اتحاد پیرامونی جدید (اعضای کنونی و الحاقی در آینده)

در این چارچوب، ابتدا دیدارهای پنهانی میان مقامات اسرائیلی و دولت‌های منطقه صورت گرفت اما با گسترش مناسبات آنان، این روابط علنی شد و اولین دیدار رسمی میان نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اسحاق رابین<sup>۱</sup> با یک حاکم عرب کشورهای حاشیه خلیج فارس یعنی سلطان قابوس دو ماه پس از امضای صلح اسرائیل و اردن در ۲۷ دسامبر ۱۹۹۴ م، برگزار شد و سال بعد نیز یوسف بن علوی، وزیر خارجه عمان به صورت رسمی در مراسم خاکسپاری رابین شرکت کرد. همچنین در سال ۱۹۹۶ م، اسرائیل با عمان و قطر در مورد افتتاح متقابل دفاتر نمایندگی تجاری توافق کردند و در خلال سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ م، عمان و قطر میزبان مراکز بازرگانی دیپلماتیک رسمی اسرائیل بودند. این مراکز بازرگانی پس از انتفاضة دوم به منظور همبستگی با فلسطینیان بسته شدند اما مناسبات پنهانی آنان ادامه یافت. (Ferziger and Bahgat, 2020: 9)

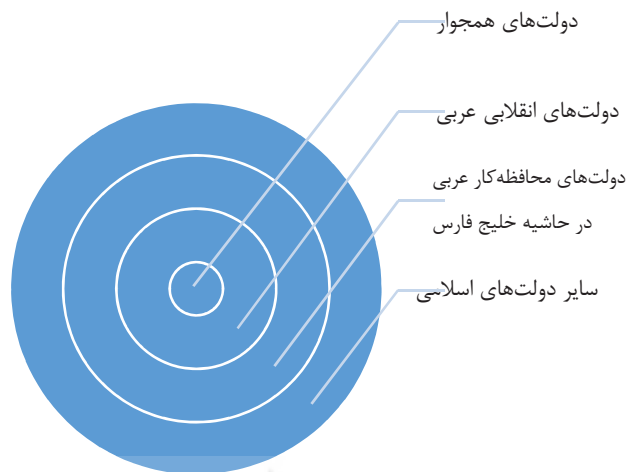
1. Yitzhak Rabin.



در این میان، باید توجه داشت که علاوه بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، تغییر نسل نخبگان حاکم بر کشورهای این منطقه نیز عامل مهمی در تحول نگرش و عملکرد آنان نسبت به اسرائیل را به وجود آورد. چنانچه مناسبات اسرائیل و امارات متحده عربی علی‌رغم روابط پنهانی تا زمان حیات بنیان‌گذار این کشور «شیخ زاید» که رویکردی منفی نسبت به اسرائیل داشت، تغییر ملموسی نداشت اما روابط آنان پس از درگذشت شیخ زاید در نوامبر ۲۰۰۴ م وارد مرحله تازه‌ای شد به گونه‌ای که میزان تجارت این رژیم با دبی افزایش یافت. همچنین پس از خروج اسرائیل از باریکه غزه در سال ۲۰۰۵ م، بحرین، کویت، عمان و قطر با پیش‌دستی دبی، پیشنهاد دادند که شورای همکاری خلیج فارس به شرط پیشرفت روند صلح اسرائیل و فلسطین، لغو رسمیت تحریم کالاهای اسرائیلی را اعلام کند. (Neubauer, 2017: 2-3)

در این میان، با افزایش نگرانی اسرائیل و کشورهای عربی نسبت به رشد تصاعدی قدرت ایران در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر، زمینه توسعه روابط پنهانی و آشکار اسرائیل با دولت‌های عربی مهیا گردید. لذا عملاً با تغییر جایگاه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و ایران در حلقه‌های تهدید امنیت ملی اسرائیل به‌ویژه در دو دهه اخیر، بارها اخباری مبنی بر ملاقات و مذاکرات محرمانه میان مقامات عالی‌رتبه اسرائیلی با مقامات کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌ویژه امارات متحده عربی منتشر شد.





شکل ۳. حلقه‌های تهدید امنیت ملی اسرائیل از ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۰ میلادی (منبع: نویسندگان)

در این مدت پیوندهای اسرائیل با امارات متحده عربی، گسترده‌ترین ارتباط در کشورهای حاشیه خلیج فارس بود که بیشتر عملیاتی، فنی و عمدتاً آشکار بودند. (Black, 2019: 12) در زمان تأسیس «آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر» در سال ۲۰۰۹ م در ابوظبی، اسرائیل از پیشنهاد امارات برای میزبانی این سازمان حمایت کرد و از همان ابتدا عضو دائم این سازمان بود. این مرکز، در مقیاس بسیار بزرگتر از «مرکز تحقیقات نمک‌زدایی خاورمیانه» در عمان، فرصتی برای ایجاد شبکه‌های اساسی و بادوام از تحقیقات مشترک و ظرفیت‌سازی در مورد موضوعات موردعلاقه مشترک فراهم کرد و اغلب وزرای کابینه رژیم صهیونیستی برای شرکت در جلسات سالانه این مجمع به صورت رسمی به امارات سفر کرده‌اند. (Ulrichsen, 2016: 10)

همچنین در سپتامبر ۲۰۱۲، بنیامین نتانیاهو<sup>۱</sup> نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با عبدالله بن زاید آل نهیان، معاون وقت وزیر خارجه امارات در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل ملاقات کرد (Wojnarowic, 2017) و پس از توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ نیز تماس‌های پنهانی میان نتانیاهو و محمد بن زاید برقرار شد و سپس رزمایش‌های مشترک آنان در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ م و پس از آن نیز انواع مراودات سیاسی، امنیتی، نظامی و به‌ویژه اقتصادی میان آنان ادامه پیدا کرد تا اینکه نتیجه این مذاکرات رسمی و آشکار در نهایت به پیمان ابراهیم و پیمان صلح اسرائیل با امارات و بحرین در سال ۲۰۲۰ میلادی منجر شد.

1. Benjamin Netanyahu.

#### ۴. زمینه‌ها و دلایل اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی

##### ۴-۱. خروج از انزوای استراتژیک

انزوای استراتژیک اسرائیل در میان همسایگان، یکی از دغدغه‌های جدی این رژیم از ابتدای تأسیس تاکنون بوده است. در واقع، پس از صلح این رژیم با مصر و به‌ویژه پس از صلح اسلو و پیمان وادی عربیه، اسرائیل توانست کمی از تنش‌های موجود با برخی از همسایگان خود را مدیریت کند اما نابسامانی‌های داخلی رژیم صهیونیستی، هزینه‌های هنگفت ناشی از سه جنگ در دو دهه اخیر با حزب‌الله و حماس، بحران مشروعیت، تقابل هویتی با ایران و جبهه مقاومت، جنبش تحریم و انزوای اسرائیل و ... همگی به تداوم انزوای رژیم صهیونیستی منجر شده است. این رژیم برای خروج از این تنگنا، بهترین چاره را اتحاد پیرامونی با کشورهای عربی و غیرعربی می‌داند. (Alfer, 2013: 5) هراس روزافزون از افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و متحدان آن در منطقه آسیای جنوب غربی، رژیم صهیونیستی را مجبور کرده است تا اولویت خود را به اتحاد با کشورهای همسایه ایران از جمله امارات معطوف بدارد تا افزون بر انزواگریزی، عامل اصلی انزوای خود را نیز که ایران است، از میان بردارد.

##### ۴-۲. افزایش دامنه تهدید ایران در دکترین امنیت ملی اسرائیل

شروع روابط اسرائیل با شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس با آغاز کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ م صورت گرفت اما مهم‌ترین مسئله‌ای که منجر به تقویت روابط میان آنها شد، مسئله ایران و تقویت جنبش‌های اسلامی در کشورهای حاشیه خلیج فارس توسط ایران بود. (آلفر و سلطانشاهی، ۱۳۹۹: ۳۶۸ - ۳۶۷)

از اواخر قرن بیستم، نفوذ روزافزون ایران در لبنان، سوریه، عراق و یمن، به نگرانی رژیم صهیونیستی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس درباره اهداف و توانایی‌های جمهوری اسلامی دامن زده است. نگرانی‌ها و بدگمانی‌های مداوم، به افزایش شدت و دامنه تهدید ایران در دکترین امنیتی اسرائیل منجر شده و این فرصت را فراهم کرده است که رژیم خود را به‌عنوان شریک بالقوه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در مقابله با برنامه‌های مستقیم و نیابتی هسته‌ای، سایبری و موشکی ایران معرفی کند و به ایجاد یک جبهه عبری - عربی و آمریکایی علیه ایران مبادرت ورزد. اتحاد بین اسرائیل و سلطنت‌های عربی تا زمانی ادامه خواهد داشت که طرفین از افزایش قدرت ایران و بی‌ثبات‌سازی منطقه به گمان خودشان احساس خطر کنند. (Wojnarowic, 2017)

##### ۴-۳. تحول در راهبرد آمریکا و تمرکززدایی از خاورمیانه به سوی شرق

سیاست‌های اعلانی و اعمالی دولت‌های اخیر ایالات متحده مبنی بر اولویت‌بخشی به شرق در سیاست

خارجی این کشور و به تبع آن، تمرکززدایی از خاورمیانه باعث نگرانی اسرائیل و دولت‌های حاشیه خلیج فارس شده است.

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ م، ایالات متحده را از نقش سنتی خود به عنوان قدرتمندترین مدافع وضعیت موجود منطقه‌ای به رقیب اصلی وضع موجود تغییر داد. این مسئله، توازن قدرت در خلیج فارس را به نفع ایران تغییر داد. اسرائیل و شورای همکاری خلیج فارس بر این باوراند که سرنگونی رژیم صدام، به گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران کمک کرده و باعث تضعیف نفوذ کشورهای عرب سنی شده است. از سوی دیگر، سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در دوره اوباما به‌ویژه توافق هسته‌ای با ایران بدون مشارکت اسرائیل و کشورهای عربی، زمینه هم‌گرایی اسرائیل با کشورهای حاشیه خلیج فارس را به وجود آورد. (Yaghi, 2020: 7) علاوه بر این سیاست تمرکززدایی آمریکا از خاورمیانه و خروج نیروهای آن از منطقه نیز این تصور را برای آنان پدیدار ساخت که آمریکا یک شریک غیرقابل اعتماد است.

در این شرایط، با توجه به اینکه رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس از توانایی‌های محدود نظامی خود آگاه هستند، اسرائیل به عنوان یک شریک بالقوه دیده می‌شود که ضمن دارا بودن قدرت فنی، مشتاق تعامل با جهان عرب است. (Ferziger and Bahgat, 2020: 6-7)

#### ۴-۴. منفعت شخصی نتانیاهو و ترامپ

ترامپ امیدوار بود که توافق ابراهیم بتواند به پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ م کمک کند، زیرا تا این زمان، موفقیت قابل توجهی در سیاست خارجی کسب نکرده بود. این توافق برای ترامپ یک موفقیت بزرگ بود اما تأثیر قابل توجهی در آراء انتخابات ایالات متحده آمریکا نداشت زیرا رأی‌دهندگان آمریکایی بر شیوع ویروس کرونا و اقتصاد متمرکز شده بودند و اهمیت زیادی برای این توافق قائل نبودند.

حکایت ترامپ مانند جیمی کارتر بود که در سال ۱۹۷۹ م به صلح بین اسرائیل و مصر کمک کرد اما به دلیل شرایط بد اقتصادی در ایالات متحده و پیامدهای بحران گروگان‌گیری در ایران، در انتخابات ۱۹۸۰ م شکست خورد. به همین ترتیب، جورج دبلیو بوش<sup>۱</sup> صدام حسین را از کویت خارج کرد اما در انتخابات ریاست جمهوری بعدی به دلیل بدتر شدن شرایط اقتصادی شکست خورد. (Gilboa, 2020) نتانیاهو نیز مانند ترامپ امیدوار بود که توافق ابراهیم بتواند او را در انتخابات نخست‌وزیری به پیروزی برساند و همچنین افکار عمومی را از پرونده‌های فساد خود منحرف کند ولی به خواسته خود نرسید.

1. George H. W. Bush.

#### ۵-۴. اسرائیل و فرصت تغییر نسل رهبران کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس

مهم‌ترین دلایل اسرائیل برای ایجاد توافق ابراهیم به تمایل این رژیم برای احیای روند سازش و کسب مشروعیت منطقه‌ای و مهار تهدیدات ناشی از ایران و محور مقاومت بازمی‌گردد. این مسئله با دیدگاه‌های نسل جدید رهبران کشورهای عربی به‌ویژه عربستان و امارات که به‌دنبال مقابله با ایران و تحدید قدرت منطقه‌ای آن هستند، اشتراک دارد. در واقع، نسل جوان رهبران کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، رؤیای دستیابی به دستاوردهای بزرگ و کسب و تثبیت جایگاه خود به‌عنوان رهبر منطقه‌ای را دارند. در این چارچوب، برقراری پیوندها با اسرائیل دیگر یک تابوی رسمی از نظر رهبران آنان نیست. این مسئله در مورد امارات کاملاً صدق می‌کند چنانچه حمایت پرشور از فلسطین که توسط «شیخ زاید» بنیان‌گذار امارات ترسیم شده بود از رونق افتاده است. (Black, 2019: 14) «بن زاید» ولیعهد ابوظبی با برنامه‌های جاه‌طلبانه اقتصادی و مداخلات منطقه‌ای از یمن تا سوریه و لیبی و ... خود را به رقیب عربستان تبدیل کرده و درصدد است از فرصت تنش‌زدایی با اسرائیل و به‌تبع آن تقویت روابط سیاسی - امنیتی با آمریکا نیز در این راستا بهره‌برداری کند.

#### ۶-۴. منافع اقتصادی روابط دوجانبه

بحران مشروعیت، هزینه‌های سرسام‌آور ناشی از جنگ، چالش واردات و صادرات انرژی و هزینه‌های هنگفت ناشی از معضلات روزافزون اجتماعی - اداری، رژیم صهیونیستی را با مشکل کمبود بودجه روبه‌رو کرده است. مشکل بازارکار و بازاریفروش، رژیم صهیونیستی را به فکر آشکارسازی روابط با کشور امارات کرد؛ زیرا کشور امارات متحده عربی از اقتصادی پویا، سطح رفاه بالا و سطح تورم بسیار پایین برخوردار است و این مسئله منجر شده تا امارات مشروعیت عملکردی قابل‌توجهی داشته باشد. (سردارنیا و عزیزی، ۱۳۹۴: ۲۱۱) امارات نیز خواهان تجارت با اسرائیل است تا از این طریق بتواند جایگاه خود را به‌عنوان اقتصاد برتر خاورمیانه حفظ کند.

#### ۵. سطوح و ابعاد همکاری اسرائیل و امارات

مهم‌ترین عوامل مؤثر در اهمیت توافق ابراهیم، فارغ از مسئله مهم به رسمیت شناختن مناسبات پنهانی و مقطعی اسرائیل با امارات، به گستردگی، فراگیری و چندجانبه بودن ابعاد و سطوح همکاری بازمی‌گردد. در این زمینه، مهم‌ترین ابعاد این روابط را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

#### ۱-۵. امنیت اقتصادی

تجارت مهم‌ترین عنصر سیاست خارجی اسرائیل در قبال امارات است. در حدی که بیشتر ابعاد همکاری

میان دو طرف را می‌توان مرتبط با امنیت اقتصادی دانست. علاقه مشترک به ترویج نوآوری و کارآفرینی به‌عنوان پیشگام توسعه اقتصادی، عاملی برای تقویت گسترده روابط بین اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج‌فارس در سراسر منطقه است.

حاکمان شیخ‌نشین‌های امارات، به‌طور خاص تأکید زیادی بر نوآوری، کارآفرینی و حمایت از مفهوم «دانش اقتصاد» به‌عنوان محرک‌گذار اقتصادی در قرن بیست‌ویکم به اقتصاد بعد از نفت داشته‌اند. دولت امارات متحده عربی سال ۲۰۱۵ م را «سال نوآوری» اعلام کرد و در این راستا، استراتژی نوآوری ملی را با تمرکز بر هفت بخش؛ آموزش، بهداشت، فناوری، آب، انرژی تجدیدپذیر، حمل و نقل و فضا آغاز کرد. (Obeidat and Saleh, 2015) که همه آنها فرصت‌های بالقوه برای همکاری با اسرائیل محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، صادرات و واردات جزء اصلی روابط اقتصادی میان دو طرف توافق است. قبل از عادی‌سازی روابط، میزان صادرات اسرائیل به کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس که بیشتر آنها به‌طور غیرمستقیم بود، از ۱ میلیارد دلار فراتر می‌رفت. اما بعد از توافق صلح و در نتیجه روابط دیپلماتیک، تجارت صورت گرفته بین ۱۵ تا ۲۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. (Mekelberg, 2020) امیر پرتز وزیر اقتصاد اسرائیل تخمین می‌زند که عادی‌سازی روابط اسرائیل و امارات می‌تواند به ۵۰۰ میلیون دلار تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه منجر شود. (Grathwohl, 2020)

## ۲-۵. امنیت انرژی

نیاز شدید به انرژی برای تولید برق و تأمین سوخت وسایل حمل‌ونقل و جنگ‌افزارها برای دولتی که پیوسته در حال جنگ است، همواره مهم‌ترین دغدغه‌های آن محسوب می‌شود. به رسمیت شناخته‌شدن در محیط بین‌المللی، بهره‌برداری از بازارهای جدید و واردات منابع انرژی از جمله مواردی است که رژیم صهیونیستی را به سمت صلح با کشورها سوق داده است. (Wojnarowic, 2017)

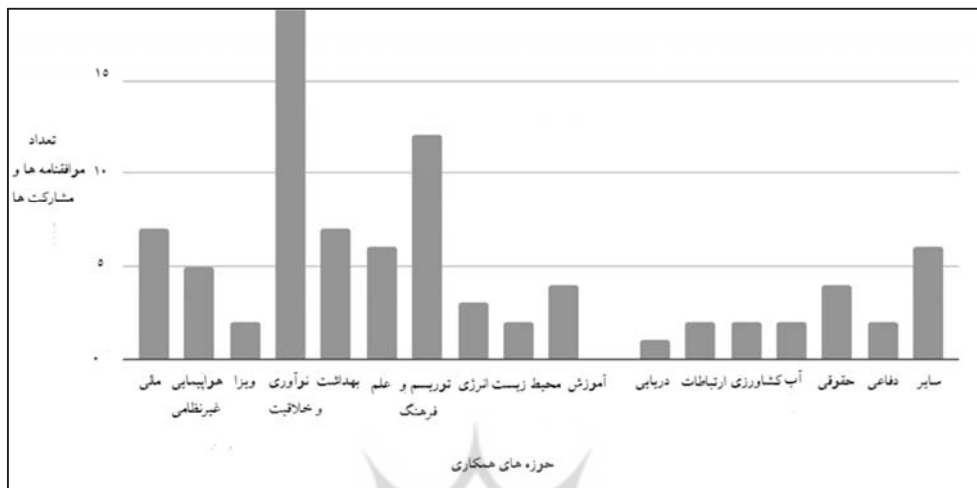
در این میان کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج‌فارس به‌طور عام و کشور امارات به‌طور خاص که ذخایر عظیم نفتی آن ۱۰۰ میلیارد بشکه اثبات شده است، (Guzansky, 2020) برای اسرائیل بسیار حائز اهمیت است. توافق ابراهیم، امارات را به اولین تولیدکننده و تأمین‌کننده رسمی نفت خام اسرائیل در میان کشورهای عربی تبدیل کرد. پیش از این اسرائیل مجبور بود نفت موردنیاز پالایشگاه بازان در حیفا را که به ۲۰۰ هزار بشکه و پالایشگاه اشدود را که به ۹۰ هزار بشکه در روز می‌رسید از روسیه و آفریقای غربی تأمین کند. نزدیکی مسافت با امارات باعث می‌شود تا هزینه واردات اسرائیل پایین بیاید.

بر اساس آنچه بیان شد، همکاری «شرکت خط لوله اروپا - آسیا» که قبلاً «شرکت خطوط لوله ایلات اشکلون» نام داشت، با «شرکت پل زمینی دریای مدیترانه و دریای سرخ» به‌منظور تسهیل



ارزیابی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال امارات متحده عربی و بازتاب آن بر ... □ ۱۴۵

صادرات نفت از امارات به اروپا (Eapc, 2020) مهم‌ترین نتیجه توافق ابراهیم در حوزه انرژی است. ارزش این معامله طی چند سال ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. (Surkes, 2021)



شکل ۵. تعداد و حوزه‌های موافقت‌نامه‌ها و مشارکت اسرائیل و امارات پس از توافق ابراهیم (Al Marzooqi, Sarwar and Schenk, 2021)

### ۳-۵. فناوری

ارتباطات میان رژیم صهیونیستی و امارات در حوزه فناوری سابقه چندین ساله دارد. به‌عنوان مثال امارات یکی از مشتری‌های شرکت اسرائیلی «سایبرا»<sup>۱</sup> است که در سال ۲۰۱۷ م تأسیس شد. وظیفه این شرکت که توسط اداره سایبری ارتش اسرائیل اداره می‌شود، هویت‌سنجی و تأیید اطلاعات با استفاده از هوش مصنوعی و ابزار کاوش داده است. بعد از عادی‌سازی روابط، شرکت جی ۴۲<sup>۲</sup> از اولین شرکت‌های اماراتی در حوزه هوش مصنوعی و رایانش ابری بود که اعلام کرد قصد دارد یکی از شعبه‌هایش را در اسرائیل تأسیس کند. عملیات جی ۴۲ در اسرائیل بر روی تشخیص ویروس کرونا، هوش مصنوعی، فناوری آب و فاضلاب، فناوری کشاورزی، شهر هوشمند و انرژی‌های تجدیدپذیر متمرکز است. جی ۴۲ پیش از این نیز با دیگر شرکت‌های اسرائیلی همکاری‌هایی را به‌منظور مبارزه با ویروس کرونا انجام داده بود. (Rivlin, 2020: 2)

### ۴-۵. نظامی - امنیتی

بودجه دفاعی امارات سالانه حدود ۲۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود که هر سال بر میزان آن افزوده می‌شود. حدود ۲۰ میلیارد دلار آن به خرید اسلحه از رژیم آمریکا و اسرائیل تعلق دارد. در این میان، همکاری

1. Cyabra.  
2. G42.

شرکت‌های «صنایع هوافضای اسرائیل» و «سیستم‌های دفاعی پیشرفته رافائل» با شرکت اماراتی «جی۴۲» در حوزه هوش مصنوعی حائز اهمیت است. چنین تخمین زده می‌شود که صادرات اسلحه و فناوری‌های مرتبط با امنیت سایبری اسرائیل به امارات سالانه چند صد میلیون شکل<sup>۱</sup> است. (Amit, 2020) از سوی دیگر، اسرائیل به منبع اصلی ابزاری تبدیل شده است که امارات، عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس از آن برای جاسوسی مخالفان خود در داخل و خارج استفاده می‌کنند. شرکت‌هایی مانند «ان اس او»<sup>۲</sup> و «ورینتسیستمز»<sup>۳</sup> که دفتر مرکزی آنها در «هرزلیا»<sup>۴</sup> واقع شده است، محصولات را در راستای هک تلفن‌های همراه، رهگیری پیام‌های رایانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌ها برای سرویس‌های اطلاعاتی «شورای همکاری خلیج فارس» تهیه کرده‌اند. (Ferziger and Bahgat, 2020: 11)

##### ۵-۵. جامعه مدنی

پیوند ملت‌ها و جوامع مدنی دو طرف توافق از اهمیت زیادی برخوردار است و به‌نوعی تمامی حوزه‌های همکاری را شامل می‌شود. تا زمانی که ملت‌ها با یکدیگر پیوند نخورند، پیوند دولت‌ها معنا پیدا نمی‌کند و اگر پیوندی برقرار شود ناپایدار خواهد بود. لذا نقش برجسته جامعه مدنی بر ثمربخش بودن اقدامات دولت‌ها انکارناپذیر است. در این راستا، ایجاد کنیسه و دیگر نمادها و نهادهای یهودی مانند خانه خانوادگی ابراهیم، افتتاح شبکه اسرائیلی «آی۲۴ نیوز» توسط شرکت مخابرات اماراتی «اتصالات» در امارات، همکاری پایگاه خبری اسرائیلی «بُکرا» با شورای تجاری اسرائیل و امارات،<sup>۵</sup> تأسیس مرکز مردم نهاد «شراکه»<sup>۶</sup> در حوزه کارآفرینی اجتماعی میان کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل، حضور اسرائیل در نمایشگاه جهانی دبی موسوم به اکسپو ۲۰۲۰ که برای ابتدای سال ۲۰۲۰ م برنامه‌ریزی شده بود اما به دلیل کوید ۱۹ به اکتبر ۲۰۲۱ م موکول شد، حضور گردشگران اسرائیلی در امارات با حداکثر ۱۱۲ پرواز در هفته بین تل‌آویو و امارات، (Ferziger and Bahgat, 2020: 10-11)، حضور شرکت اسرائیلی «اسرائیل دلشس»<sup>۷</sup> در حوزه ترویج غذا و فرهنگ اسرائیلی، شرکت اسرائیلی «صنعت مُد تل‌آویو»<sup>۸</sup> در حوزه ترویج سبک پوشش اسرائیلی، مرکز اسرائیلی «افق‌های پهناور»<sup>۹</sup> در حوزه ترویج تاریخ

1. واحد پول اسرائیل Shekel

2. NSO Group.

3. Verint Systems.

4. Herzliya.

5. Uaeisraelbusiness.

6. Sharaka: The Gulf-Israel Center for Social Entrepreneurship.

7. Delicious Israel.

8. TLVstyle.

9. Kzlahav.

و فرهنگ اسرائیل و مؤسسه اسرائیلی «انسجام»<sup>۱</sup> در حوزه ترویج زبان و فرهنگ عربی در نمایشگاه مجازی اسرائیل و امارات،<sup>۲</sup> برخی از تعاملات جدید آنان در حوزه جامعه مدنی است.

**۶. بازتاب عادی‌سازی روابط اسرائیل و امارات متحده بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**  
توافق ابراهیم صرف‌نظر از محتوا و مفاد آن و تعهداتی که برای امارات دارد، به‌طور بالقوه یک تهدید برای ایران محسوب می‌شود. این مسئله تحت‌تأثیر پیامدهای عادی‌سازی روابط اسرائیل و امارات متحده بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است که مهم‌ترین آنها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

#### ۱-۶. تغییر در معادله موازنه تهدید میان ایران و اسرائیل

با توجه به تقابل راهبردی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی و در چارچوب منطق موازنه تهدید، مسلماً عادی‌سازی روابط اسرائیل با هریک از دولت‌های منطقه و یا انعقاد هرگونه توافق و قرارداد با این رژیم که منجر به خروج آن از انزوای استراتژیک، افزایش توان بازیگری و بازدارندگی آن علیه ایران در منطقه و در نتیجه، افزایش قدرت این رژیم شود، برای ایران تهدید به حساب می‌آید.

#### ۲-۶. تقویت عمق ژئواستراتژیک اسرائیل در منطقه

رژیم صهیونیستی با هدف حفظ و تحکیم بقای خود از ابتدای تشکیل در ۱۹۴۸ م تاکنون، همواره به دنبال توسعه‌طلبی در بعد جغرافیایی و بعد سیاسی - اقتصادی بوده است. اسرائیل از دیرباز به این فکر بوده است که بتواند از انتهای خلیج عقبه مسیری را مشابه کانال سوئز به سمت دریای مدیترانه برای خود باز کند. بدون شک اگر این امر اتفاق بیفتد اسرائیل به یک آبراه بین‌المللی که بدیل کانال سوئز است تبدیل خواهد شد. در این میان، امارات کشوری است که اسرائیل از طریق سرمایه‌گذاری در بنادر بین‌المللی آن می‌تواند موقعیت راهبردی اقتصادی خود را توسعه داده و به آرزوی خود در تبدیل شدن به آبراه بین‌المللی نائل گردد. در این شرایط، استفاده اسرائیل از شهرت امارات به دلیل داشتن مناطق آزادی که دارای تردها و بارگیری‌های بسیار زیاد است، می‌تواند این رژیم را به مرکز تعاملات تجاری و اقتصادی تبدیل کند. علاوه بر این، تقویت عمق ژئواستراتژیک اسرائیل در خلیج عقبه، زمینه‌های لازم را برای توسعه روابط اسرائیل با سایر کشورهای منطقه و تبدیل رژیم صهیونیستی به یک شریک قدرتمند اقتصادی در خلیج فارس را به وجود می‌آورد که این شرایط، چالش‌ها و محدودیت‌های جدی‌ای را فراروی تعاملات سیاسی - امنیتی و به‌ویژه اقتصادی ایران و سایر دولت‌های منطقه قرار می‌دهد.

1. Insijamcls.

2. V-expos.



شکل ۵. ابعاد ژئواستراتژیک روابط امارات و رژیم صهیونیستی در خلیج عقبه (Ghosh, 2021)

### ۳-۶. افزایش اختلاف و تنش میان ایران و کشورهای عربی در مسئله فلسطین

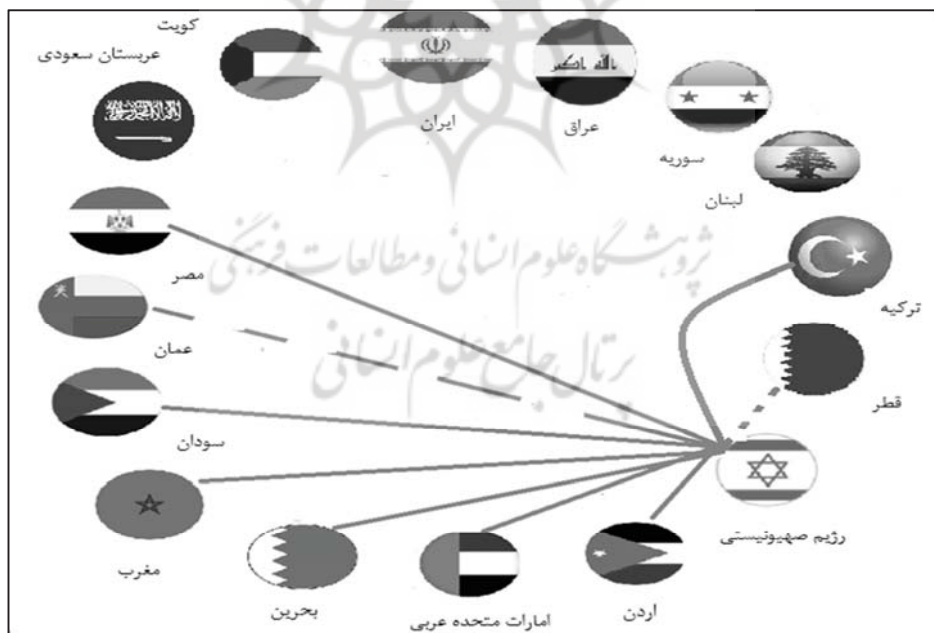
توافق ابراهیم را باید نقطه عطف بسیار مهمی در رویکرد و عملکرد کشورهای عربی در قبال مسئله فلسطین نیز به حساب آورد. این توافق نشان داد که کشورهای عربی عملاً با کنار گذاشتن صلح سردی که از دهه ۱۹۷۰ م میان آنان و اسرائیل در قالب سیاست رسمی تحریم سیاسی و دیپلماتیک، در عین روابط پنهانی و آشکار اقتصادی دنبال می‌شد، هم‌اکنون منازعه اسرائیل و فلسطین را از روابط خود با این رژیم جدا کرده‌اند. (دهقانی فیروزآبادی، کریمی و وکیلی، ۱۴۰۰: ۱۲۰) این مسئله با کنارزدن پیش‌شرط اجماعی میان کشورهای عربی مبنی بر تشکیل دولت فلسطینی در ازای به رسمیت شناختن اسرائیل عملاً به تضعیف موقعیت فلسطینیان و گروه‌های مقاومت در رویارویی با اسرائیل و افزایش شکاف ایدئولوژیک میان ایران و کشورهای عربی در قبال مسئله فلسطین منجر می‌شود. (اختیاری امیری و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۳) در این شرایط، با توجه به اینکه بازیگران توافق ابراهیم، صلح و ثبات را از عناصر اصلی این توافق قلمداد می‌کنند، تلاش‌ها برای ایجاد اجماعی جهت تحت فشار گذاشتن ایران و گروه‌های مقاومت علیه اسرائیل از جمله حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس به‌عنوان عامل بی‌ثباتی و گسترش تروریسم در منطقه تقویت می‌شود.

### ۴-۶. نقویت دکترین اتحاد پیرامونی جدید

آثار و پیامدهای امنیتی توافق ابراهیم نیز بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا که این توافق را نباید صرفاً توافقی دوجانبه برای عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی به‌شمار آورد بلکه با توجه به نقش آشکار و پنهان دیگر کشورهای عربی و آمریکا در آن و با در نظر گرفتن تجربه حضور و فعالیت اسرائیل در آذربایجان، کردستان عراق و دیگر کشورها بر علیه جمهوری اسلامی ایران، مسلماً حضور این رژیم در

امارات و احتمال توسعه روابط آن با سایر دولت‌های منطقه نیز بی‌تردید برای ایران بحران‌زا بوده و چالش‌های سیاسی - امنیتی را در پی دارد.

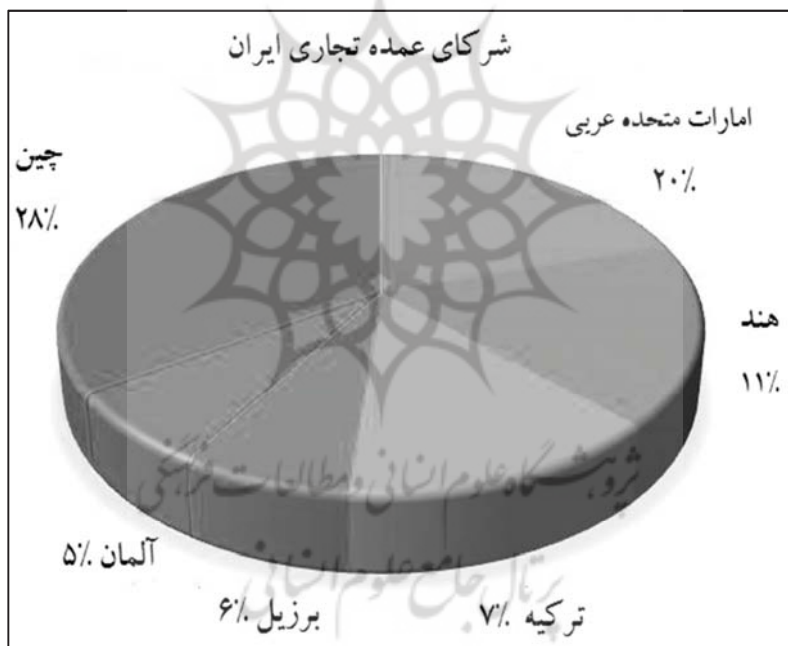
درواقع، حضور اسرائیل در امارات صرفاً دارای جنبه دیپلماتیک مانند روابط این رژیم با دیگر کشورهای عربی و آفریقایی نیست بلکه هدف آن، تحت‌تأثیر دکترین استراتژی پیرامونی جدید اسرائیل، گسترش حیطه نفوذ و دامنه امنیتی و دفاعی و همچنین مقابله جدی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با محور مقاومت و با محوریت ایران است. بنابراین، توافق ابراهیم را می‌توان گذار اسرائیل از «صلح سرد» با برخی کشورهای عربی مانند مصر و اردن به «صلح گرم» با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تلقی کرد. زیرا که با توسعه روابط در همه حوزه‌ها، عملاً وابستگی متقابل امنیتی میان آنان و ائتلافی ژئوپلیتیک علیه ایران شکل می‌گیرد. این مسئله با امنیتی‌تر شدن منطقه خلیج فارس، امکان افزایش تنش‌ها میان کشورهای منطقه و ایران را به وجود می‌آورد. در این وضعیت، در موارد اختلاف‌زایی مانند مسئله جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس، امکان استفاده امارات متحده عربی از ابزار فشار و تهدید اسرائیل علیه ایران نیز به وجود می‌آید. (اختیاری امیری و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۵ - ۱۴۳) این مسئله با تمرکز بر القای ایران‌هراسی از سوی اسرائیل برای افزایش هم‌گرایی با دولت‌های عربی سبب می‌شود که توافق‌نامه ابراهیم عملاً یک توافق امنیتی علیه ایران به حساب آید.



شکل ۶. روابط رسمی و غیررسمی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (ترسیم شده توسط نگارندگان)

### ۵.۶. تعیین مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و امارات متحده عربی

با توجه به روابط گسترده اقتصادی ایران و امارات و تعاملات تجاری و اقتصادی ایرانیان با اتباع اماراتی که این کشور را به دومین شریک تجاری ایران تبدیل کرده است، (O'Neill, 2021) حضور مستقیم شرکت‌های رژیم صهیونیستی در پرتو توافق ابراهیم، می‌تواند نه تنها به تعیین منافع شرکت‌های اقتصادی ایران و ایجاد چالش‌های ارزی برای کشورمان منجر شود بلکه زمینه تشدید فعالیت‌های جاسوسی و خرابکاری و نفوذ در ایران را نیز به وجود می‌آورد. در واقع، این شرایط از یک سو با توجه به افزایش شدید دسترسی‌های اسرائیل در امارات و از سوی دیگر، وابستگی بخش بزرگی از اقتصاد ایران به داد و ستد تجاری با امارات چالش‌هایی را برای تجارت میان ایران و این کشور که مهم‌ترین مرزهای آبی ایران و شریک اصلی تجاری کشورمان در امور صادرات و واردات از اوایل دهه ۹۰ م بوده است به وجود می‌آورد.



شکل ۷. جایگاه امارات در شرکای عمده تجاری ایران (O'Neill, 2021)

### ۶.۶. واکنش معکوس ملت‌های عربی و اسلامی به روند سازش

باید در نظر داشت که علی‌رغم تهدیدات و چالش‌هایی که به واسطه توافق ابراهیم فراروی امنیت ملی ایران قرار گرفته است، آشکارسازی مناسبات رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های عربی با توجه به خشم و نفرت تاریخی و ایدئولوژیک مردم در کشورهای اسلامی و از جمله در امارات نسبت به رژیم صهیونیستی،



زمینه‌ای را برای حساسیت بیشتر ملت‌های منطقه و به‌ویژه دولت‌ها و مردم در کشورهای محور مقاومت به‌وجود آورده است. این مسئله با نظارت و افشای فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه و به‌کارگیری دیپلماسی عمومی و کارآمد توسط جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند فرصت مناسبی را فراروی سیاست خارجی و امنیتی ایران در منطقه قرار دهد.

## نتیجه

امنیت و مشروعیت، دو حلقه مفقوده رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس اسرائیل تاکنون بوده که در صدر اولویت‌های سیاست خارجی و امنیتی آن قرار داشته است. در این راستا این رژیم در قالب استراتژی اتحادپیرامونی خاورمیانه جدید و در سال‌های اخیر استراتژی پیرامونی جدید، تلاش کرده تا نگرانی ذهنی رهبران آن از تهدید دائمی و همیشگی ناشی از آوارگی قوم یهود و نگرانی عینی و واقعی آنان از تهدید وجودی ناشی از عدم‌پذیرش مشروعیت این رژیم و جنگ‌های متعدد ناشی از توسعه‌طلبی آن را تدوین و اجرایی نماید.

در این راستا، اسرائیل به‌ویژه پس از صلح اسلو به‌دنبال عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بوده است. این مسئله به‌ویژه با توجه به تهدیدانگاری وجودی اسرائیل از ایران و افزایش نگرانی این رژیم از جبهه مقاومت در دو دهه اخیر، به تشدید تلاش این رژیم برای عادی‌سازی با دولت‌های عربی منطقه خلیج فارس منجر شده است. در این شرایط، توافق ابراهیم و عادی‌سازی روابط اسرائیل و امارات، تحول مهمی در این زمینه به‌حساب می‌آید. بر اساس این، منطلق واقع‌گرایی تدافعی سیاست خارجی اسرائیل با هدف مقابله با تهدیدات ایران و جبهه مقاومت و ایجاد نوعی موازنه تهدید، به هم‌گرایی با امارات روی آورده است. با این وجود، روابط آنان صرفاً به حوزه‌های سیاسی و دیپلماتیک منحصر نشده و حوزه‌های اقتصادی، نظامی، امنیتی و ... را به‌همراه دارد. مسلماً در این میان، مهم‌ترین هدف رژیم صهیونیستی مقابله با ایران است. بنابراین اهدافی مانند امنیت اقتصادی و تجاری، گسترش عمق استراتژیک و مشروعیت‌بخشی و نفوذ در منطقه خلیج فارس در راستای تشدید «امنیتی کردن» و محاصره ایران تدوین شده که می‌تواند زمینه تقویت فرایند سازش و موازنه‌گری سخت و نرم علیه ایران، ناامن شدن محیط پیرامونی ایران و کاهش ضریب امنیت ملی آن را به‌دنبال داشته باشد.

درواقع، پیمان ابراهیم را باید مقدمه‌ای بر حضور مستقیم شرکت‌های دولتی و خصوصی این رژیم در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی و نوعی ائتلاف‌سازی و تهاجم همه‌جانبه نرم و سخت در همه این حوزه‌ها علیه محور مقاومت و به‌ویژه ایران دانست. در این وضعیت، مسلماً به‌دلیل همسایگی ایران و دولت‌های امارات و بحرین و بالاخص روابط گسترده اقتصادی ایران و امارات و تعاملات تجاری و

اقتصادی ایرانیان با اتباع اماراتی، عملاً هم‌زمان با تحدید منافع شرکت‌های اقتصادی ایران و ایجاد چالش‌های ارزی برای کشورمان، زمینه تشدید فعالیت‌های جاسوسی و خرابکاری و نفوذ در ایران نیز به‌وجود می‌آید. لذا با حضور اسرائیل در امارات، جمهوری اسلامی نیازمند هوشیاری و حساسیت مضاعف در حوزه امنیت منطقه‌ای، تقویت تنش‌زدایی با همسایگان و تمرکز بر افکار عمومی کشورهای عربی در قبال مسئله فلسطین است، زیرا دولت‌های عربی با وجود اینکه قادر به ادامه همکاری عملی با رژیم صهیونیستی هستند اما افکار عمومی عرب همچنان ضداسرائیل است. مادامی که مسئله فلسطین دارای عمق استراتژیک باشد، قبح‌شکنی و صلح برقرار کردن با رژیم اسرائیل راه به جایی نمی‌برد.

### منابع و مأخذ

۱. آجیلی، هادی؛ رضایی، نیما، ۱۳۹۷، «رنالیسم تدافعی و تهاجمی (چارچوبی تئوریک برای تحلیل وقایع و رخداد‌های حوزه خلیج فارس)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی امنیت ملی*، سال هشتم، ش ۲۷، ص ۱۶۵ - ۱۹۸.
۲. آلفر، یوسی؛ سلطانشاهی، علیرضا، ۱۳۹۹، *پیرامونی (جستجوی اسرائیل برای یافتن متحدان خاورمیانه‌ای)*، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.
۳. اختیاری امیری، رضا و محمدی، محمدرضا، ۱۴۰۰، «تأثیر مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس بر سیاست همسایگی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی و پنجم، ش سوم، ص ۱۵۰ - ۱۲۹.
۴. بهجت، جودت و قربان پور، علیرضا، ۱۳۸۹، *اسرائیل و خلیج فارس؛ گذشته و آینده*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۵. پرز، شیمون و قارونی، عدنان، ۱۹۹۳، *خاورمیانه جدید*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی آسیا.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و کریمی، مهدی و وکیلی، بهنام، ۱۴۰۰، «عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال بیست و چهارم، ش نود و ششم، ص ۱۲۶ - ۱۰۱.
۷. سردارنیا، خلیل‌الله؛ عزیزی، زهرا، ۱۳۹۴، «تحول دنیای عرب و ثبات سیاسی در امارات متحده عربی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هفتم، شماره چهارم، ۱۸۹ - ۲۱۶.

ارزیابی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال امارات متحده عربی و بازتاب آن بر ... □ ۱۵۳

۸. شادمانی، مهدیه؛ یزدانی، عنایت‌الله، ۱۳۹۷، «دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دهم، ش ۴۰، ص ۱۶۸ - ۱۴۷.

۹. عالیشاهی، فروزان و سوچلمانی، ۱۳۹۹، «تاثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس»، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره ۱۳، ش ۴۹، ص ۱۶۹ - ۱۴۷.

۱۰. المطیری، یوسفعلی، ۲۰۱۱، *اليهود فی الخلیج*، قم، دار مدارک للنشر.

۱۱. ملکی، محمدرضا، محمدرضا ابراهیمی، فرزاد، ۱۳۹۹، «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۷، ش ۳، ش پیاپی ۶۷، ص ۶۴ - ۴۵.

۱۲. موسوی زاده، علیرضا؛ جاودانی مقدم، مهدی، ۱۳۸۸، «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، ش ۱۱، ص ۲۲۳ - ۲۰۱.

13. Al Marzooqi Omar, Sarwar Salman and Schenk Zach., 2021, *Israel-UAE Normalization: Poised for Economic Breakout*, The Arab Gulf States Institute in Washington, April 14.
14. Alpher Yossi, 2013, *Israel: alternative regional options in a changing Middle East*, The Norwegian Peacebuilding Resource Centre (NOREF).
15. Amit, Hagai, 2020, *The Real Deal for Israel and the UAE Is Weapons*, Haaretz Newspaper, August 17.
16. Arthur, Nicklas, 2020, *The Abraham Accord: Harbinger of the Temple Mount Play about to Begin*, Independently published.
17. Bayrak, Polen, 2021, *Abraham Accords: Palestine issue should be addressed for a peaceful Middle East*, Cappadocia Journal of Area Studies.
18. Black, Ian, 2019, *Just below the surface: Israel, the Arab Gulf States and the limits of cooperation*, LSE Middle East Centre Report.
19. Eapc, 2020, *Israel's EAPC has signed a binding MOU to bring UAE oil to Europe*, Europe Asia Pipeline Company, October 20.
20. Ferziger, Jonathan H & Bahgat, Gawdat, 2020, *Israel's growing ties with the Arab Gulf states*, Atlantic Council, July 7.
21. Ghosh, Diptarka, 2021, *Gulf of Suez, Bodies of Water*, worldatlas, March 24.
22. Gilboa, Eytan, 2020, *The Israel-UAE Agreement: Busting Myths and Sending Messages*, Begin-Sadat Center for Strategic Studies.
23. Grathwohl, Lucy, 2020, 'UAE-Israel accord will drive economic growth in the Middle East', *says Emirati Minister of Economy*, Atlantic Council, September 18.
24. Guzansky, Yoel, 2020, *The United Arab Emirates: Proactive in War and Peace*, Institute for National Security Studies (INSS).
25. Jpost, 2020, Israel receives approval to begin fruit and vegetable exports to the UAE, *Jerusalem Post*, November 2.
26. Lavie, Dan, 2018, *Revealed: Secret synagogue has operated in Dubai for three years*, Jewish News Syndicate (JNS), December 6.

27. Litsas, Spyridon N, 2020, *Smart, Not Small: The Abraham Accords and the Role of Small States*, Begin-Sadat Center for Strategic Studies, October 21.
28. Mekelberg, Yossi, 2020, *Israel and GCC: United on Iran*, Castlereagh Associates, February 11.
29. Mitvim, 2020, *Mitvim signed a cooperation agreement with the UAE think tank Trends Research & Advisory*, Mitvim Institute, October 8.
30. Neubauer, Sigurd, 2017, *Israel: A Strategic Partner for the UAE*, Social Science Open Access Repository.
31. Obeidat, Omar and Saleh, Ahmad, 2015, *UAE Officials declare 2015 "Year of Innovation"*, Al Tamimi & Company, February.
32. O'Neill Aaron, 2021, *Main import partners of Iran 2019*, Statista:  
<https://www.statista.com>
33. Rivlin, Paul, 2020, *Israel and the UAE: Old New Friends*, Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies, November 30.
34. Roelants, Carolien, 2015, *Als het zo uitkwam*, liet de sjah Israël snel weer vallen, <https://www.nrc.nl>
35. Rose, Gideon, 1998, Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy, *World Politics* 51.
36. Surkes, Sue, 2021, UAE pipeline deal will imperil Eilat's critical coral reefs, scientists warn, *Times of Israel*, January 11.
37. Ulrichsen, Kristian Coates, 2016, *Israel and the Arab Gulf States: Drivers and Directions of Change*, Rice University's Baker Institute for Public Policy.
38. Wojnarowic, Michal, 2017, *Israel and the Gulf States-the Nature of Secret Cooperation*, The Polish Institute of International Affairs.
39. Yaghi, Mohammad, 2020, *The Gulf States Relations with Israel and Trump's Plan for Peace*, Konrad Adenauer Foundation.